

Ch 25

سرزمین ارواح ۴.  
مبارزه نهایی

مترجم و ادیتور : Yato

@manga\_trans

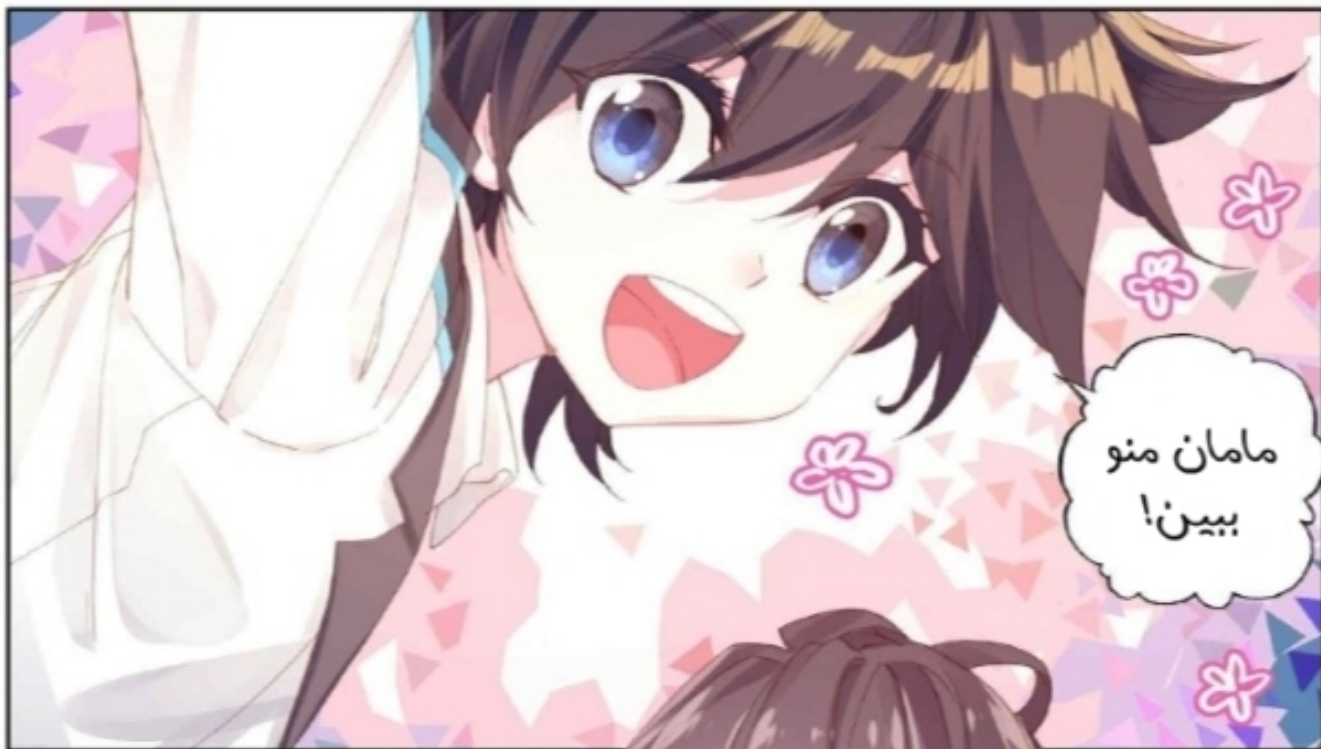


ساختمان هرایزن  
اتاق بازی قصر فنری



وای!

خیلی  
باحاله!




مامان منو  
بین!



ساختمان هرایزن  
مرکز اطلاعات


سرور الان  
خاموشه، تمام  
سیستم ارتباطش  
قطع شده.

ولی تو فقط  
۱۵ دقیقه وقت  
داری.



هوف، من اونقدر  
نیاز ندارم

این فقط ۶۴ تا  
لایه ی امنیتی عه،  
با توانایی های من،



فقط ۳ دقیقه  
لازم دارم.

رسیدم به  
آخری و...  
تمام!

UNLOCK

من در دیتا سنتر  
هوش مصنوعی  
هستم...

و حالا...

!

وای نه!



لعنتی!  
یه تله بود!



فرار کن!





ما مدتی که  
دنبالتیم،

تو یکی از  
دوازده نماینده ی  
شهر گناهکارانی،

" ارباب نوع  
کنترل روحی"  
ژان جینگ!



حالا تسلیم  
شو!

یا اینجا و  
الان میکشمت!



پس...

این تسلیم  
شدن من به حساب  
میاد؟

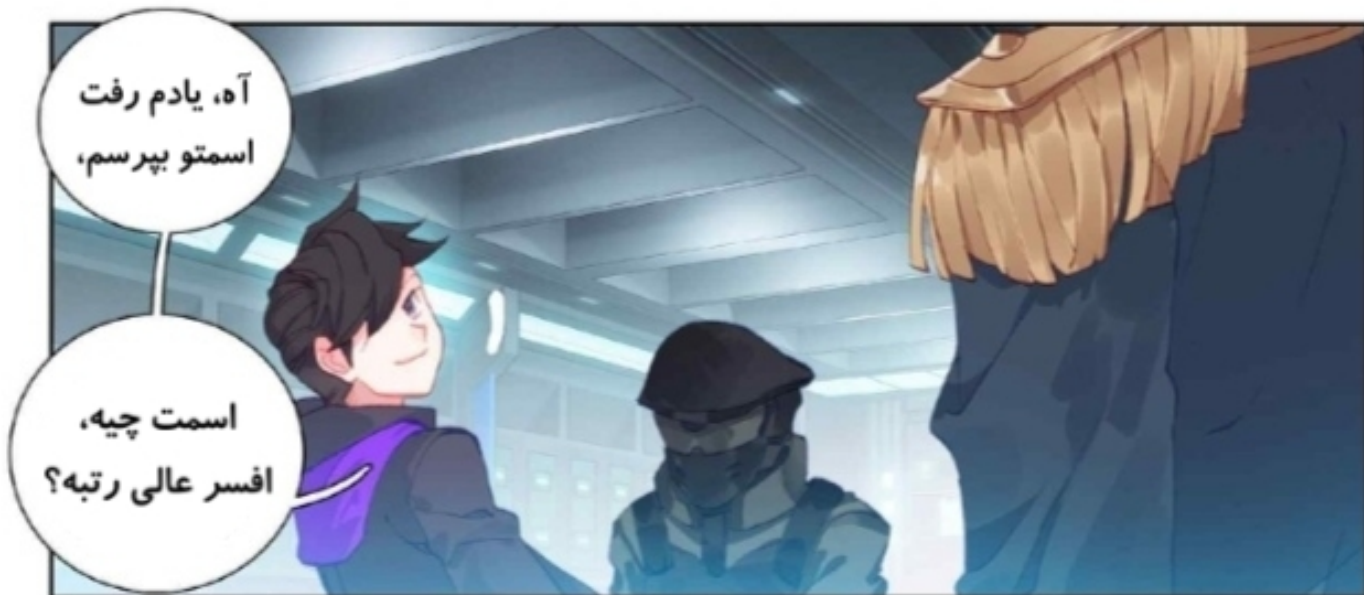


این درست  
بنظر نمیاد...



اون یچورایی  
زیادی  
خونسرده...





آه، یادم رفت  
اسمتو پیرسم،

اسمت چیه،  
افسر عالی رتبه؟




لازم نیست  
بدونی،

حتی فکرشم  
نکن که حقه ای سوار  
کنی، تو هیچ شانس  
فراری نداری!




اوه واقعا؟  
نیروی ویژه ی  
اژدها، فرمانده...

یه فنگ،  
سن : ۳۴...




همینطور یه  
دختر ۶ ساله  
داری،

فکر کنم اگه  
درست یادم باشه  
اسمش  
یه لینگ تانگه.



فرمانده یه،  
فکر میکنی که...



تو خودت شخصا  
منو از این دست بندا  
خلاص بکنی؟

سعی داری  
چی بگی؟



برق  
رفت؟!

آروم باشین!  
آرایشتون رو حفظ  
کنین!




هلهلهلهله!  
اونا اینجان!




کی اینجاست؟

پیکار  
کردی؟


سیگنال  
پابرجاست...



درود،  
فرمانده یه.



من در شهر گناهکاران  
پادشاه تاریکی ابدی  
نامیده میشم.




اطلاعاتی که  
شما گرفتین درواقع  
درسته.


ولی هدف ما  
اینجاست و هرگز  
دیتا سنتر نبوده...

فرمانده

همه ی  
ارتباطاتمون  
قطع شده!



توی این ساختمون  
دقیقا ۱۲،۳۴۵ تا  
غیر نظامی هست.




ما همه ی ساختمون  
رو محفوظ نگه  
داشتیم.

و در عرض پنج دقیقه  
ما در تمام منطقه های  
متحمل بار الکتریکی...

اون یه عدد  
بخصوص نیس!؟

و حالا، اونا  
گروگان های ما  
شدن.


بروزترین مواد  
منفجره ی جدید رو  
کار میذاریم!



ولی...  
اگه هر کاری می‌گیم  
انجام بدی،

هیچکدوم از  
بمب‌ها فعال  
نمیشن.


پس...  
فکر نمی‌کنم انتخاب  
دیگه ای داشته  
باشی.



ژان جینگ  
رو آزاد کن،

و بعد بگو افرادی  
از دیتا سنتر هوشمند  
عقب نشینی کنن.

یا اینکه، همه  
تو این ساختمون...



همراه تو  
میمیرن!



آزادش  
کنین!

هدگی، عقب  
نشینی کنید!



وای، چه اتفاقی  
برای چراغ ها  
افتاده؟

خیلی  
تاریکه!

و چرا آژیر  
به صدا در  
اومد؟



قطعی برق  
فقط موقتیه، برق  
پشتیبان خیلی زود  
فعال میشه!

همگی،  
وحشت نکنین،



بنظر میاد برق  
برای مدتی قطع شده،  
بیا همینطور بمونی و  
صبر کنیم.





+ آممم...

سلام \*-\*  
دیکه پر گشتم...

اینم چیتر جدید #-#

بابت تاخیر هم...

متاسفم حق \*-\*

\*Yato

# ممنون بابت ✨ حمايتتون

فقط نينم كپي  
ميكينا@-@

زحمت رفته پاش\*-\*



@MANGA\_TRANS